



چهارشنبه
۲۰
۱
۱۴۰۳

ممنوعیت صادرات خرما
لغوشد

۴

عراقچی:

مذاکره غیرمستقیم عجیب نیست

۲

گزارش

رشد خزنده قیمت خودرو از ابتدای سال ۱۴۰۴:

نجات صنعت خودرو در گرو جراحی عمیق سیاسی است تا اصلاحات مقطعی اقتصادی



نجات صنعت خودرو نیازمند جراحی عمیق سیاسی است، نه اصلاحات مقطعی اقتصادی. سوال اساسی اینجاست: آیا ساختار حاکمیتی حاضر است هزینه‌های سنگین مقابله با مافیای خودرو را بپذیرد؟ پاسخ این سوال، نه در گزارش‌ها، که ...

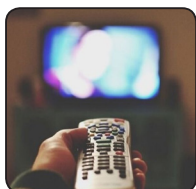
پیشکسوت اصلاح طلبان در دیدار معاون اول رئیس جمهور با نخبگان و فعالان سیاسی گلایه کرد:

دخالت نمایندگان در انتصابات واخلال در اصلاحات خراسان رضوی



گزارش

صد او سیما آدم جذاب می‌خواهد



یک منتقد سینما و تلویزیون با بیان اینکه تلویزیون همچنان برای جامعه پیشرفته امروزی کهنه برنامه‌سازی می‌کند، درباره ویژه‌برنامه‌های نوروز ۱۴۰۴ با اشاره به سریال «پایتخت»، اظهار کرد: با پخش این مجموعه، تلویزیون از این رو به آن رو شد. گویی انقلابی اتفاق افتاد. هرچند آمدن «پایتخت» نشان می‌دهد در این چند سال تلویزیون در زمینه جایگزینی پرندهایش کوتاهی کرده است. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایسنا محمدتقی فهیم درباره برنامه‌های نوروزی تلویزیون معتقد است...

گزارش

بازهم سرود تلخ مرگ کارگران:

مرگ ۸ کارگر معدن در کمتر از ۴۸ ساعت



آنچه در بحث ایمنی اتفاق می‌افتد، فقط شوهای احساسی و رسانه‌ای است؛ بعد از حادثه معدن طبس، وزیر کار با یک اکیپ کامل به بازدید رفت که مثلاً می‌خواهند کار کارشناسی انجام دهند. اما از ماه بعد، موضوع مسکوت می‌ماند، انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته! به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایسنا، نزدیک به هفت ماه از حادثه دلخراش معدن طبس گذشته است...

طرح پریسک دونالد ترامپ:

مذاکره ایران و آمریکا

عقب نشینی کند. این تغییر رویکرد، چرخشی چشمگیر نسبت به دوران اوباما و حتی دور نخست زمامداری خود ترامپ به شمار می‌رود. در آن زمان، او صرفاً بر بی‌کفایتی و نواقص برجام تأکید داشت و هشدار می‌داد که پس از انقضای محدودیت‌های زمانی توافق، تهران می‌تواند بی‌وقفه مسیر هسته‌ای‌اش را از سر بگیرد. اکنون اما ترامپ در پی چیزی فراتر از «مهار موقت» است؛

را صادر کرد؛ آن هم در حالی که هنوز جوهر سوگند ریاست‌جمهوری‌اش خشک نشده بود. فرارو نوشت: در دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، فشار بر تهران به مرحله‌ای بی‌سابقه رسیده است. رئیس‌جمهوری که زمانی با شعار «خروج از توافق بد»، برجام را پاره کرد، اکنون بازگشته تا با طرح توافقی سخت‌گیرانه‌تر، ایران را نه فقط در حوزه هسته‌ای، بلکه در حوزه موشکی و حتی نفوذ منطقه‌ای وادار به

که واشنگتن خود برای جنگی واقعی آماده نیست دونالد ترامپ که روزگاری با شعار پرطمطراق «پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان» پا به کاخ سفید گذاشت، در بازگشت جنجالی‌اش به قدرت، فصل تازه‌ای از مداخلات نظامی در خاورمیانه را کلید زده است. تنها چند هفته پس از آغاز دومین دوره ریاست‌جمهوری‌اش، ترامپ شخصاً دستور حمله‌ای گسترده به مواضع گروه انصارالله یمن موسوم به حوثی‌ها

در دومین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، فشارهای بی‌سابقه‌ای علیه ایران اعمال شده؛ از تهدید به بمباران تا پیشنهاد مذاکره مستقیم و طرح بحث برانگیز «مدل لیبی». ترامپ در تلاش است ایران را میان پذیرش توافقی سخت‌گیرانه یا رویارویی نظامی قرار دهد. اما تحلیل‌گران هشدار می‌دهند که این مسیر نه تنها شانس دیپلماسی را تضعیف می‌کند، بلکه خطر رویارویی را افزایش می‌دهد؛ آن هم در شرایطی

مذاکره غیرمستقیم عجیب نیست



آن چه صهیونیست‌ها گفته‌اند، آرزوهای آن‌هاست

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره محورهای مذاکره ایران و آمریکا با توجه به اظهارات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره «مذاکراتی شبیه به لیبی» گفت: طبیعی است که هر کسی ممکن است گمانه‌زنی‌ها و یا آرزوهای خود را داشته باشد. آن چه که مقامات رژیم صهیونیستی گفته‌اند و یا ممکن است بگویند، آرزوهای آن‌هاست که هرگز محقق نخواهد شد. ما به دنبال تامین منافع مردم ایران هستیم.

او تصریح کرد: برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز و مشروع است. همین الان قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، بر مشروعیت آن صحت گذاشته است. از لحاظ بین‌المللی هیچ شبهه‌ای بر آن وارد نیست. اگر کسی سوالات و ابهاماتی دارد، ما آماده روشنگری هستیم. ما بر صلح‌آمیز بودن

می‌گیرد، یعنی آمریکایی‌ها واسطه هستند. دو طرف حاضر نیستند به دلایلی که خودشان می‌دانند، با یکدیگر ملاقات رو در رو داشته باشند و ملاقات از طریق یک میانجی یا واسطه انجام می‌شود.

او با بیان اینکه «در موضوع ما، عمان واسطه است چرا که ما به عمان به خاطر گذشته و سابقه خوبی که در همین ارتباط داشتند، اطمینان و اعتماد داریم»، گفت: امیدوار هستیم که با اراده جدی طرف مقابل برای رسیدن یک راه‌حل دیپلماتیک مواجه باشیم. این در مذاکرات مهم است.

عراقچی درباره شایعات مبنی بر اینکه «ابتدای مذاکرات به‌صورت غیرمستقیم است و اگر حسن‌نیت آمریکا اثبات شود، مذاکرات رودر رو خواهد شد»، گفت: ما چنین قراری نگذاشته‌ایم.

مذاکرات غیرمستقیم خواهد بود و ما شیوه دیگری را برای مذاکره نمی‌پذیریم.

او در پاسخ به سوال خبرنگار خبرگزاری صداوسیما درباره توضیح بیشتر درباره «مذاکرات غیرمستقیم» و همچنین تأکید ترامپ بر مستقیم‌بودن مذاکرات گفت: شکل مذاکره مهم نیست که مستقیم باشد یا غیرمستقیم. به نظر من آنچه که اهمیت دارد، موثر یا غیرموثر بودن مذاکرات است، جدی بودن یا جدی نبودن طرفین در مذاکرات است، نیت طرفین در مذاکره است و اراده برای رسیدن یک راه‌حل. این موارد در هر گفت‌وگویی ملاک عمل است.

عراقچی در ادامه گفت: اینکه شکل مذاکرات چگونه باشد، تابع مسائل مختلفی است. شکل مورد نظر ما، مذاکرات غیرمستقیم است. دلایل آن نیز قبلاً گفته شده است. مذاکراتی که آن‌ها بخواهند از طریق فشار و تهدید بخواهند اراده خود را تحمیل کنند، این یک مذاکره نیست و در حقیقت دیکته کردن است. در حقیقت ما به این شیوه به هیچ وجه اعتقادی نداریم. شیوه غیرمستقیم از نظر ما بهتر می‌تواند یک مذاکره واقعی و منتج به نتیجه را تضمین کند و ما به این شیوه پیش خواهیم رفت.

مذاکره غیرمستقیم اصلاً عجیب نیست

وزیر خارجه ایران درباره نمونه مذاکره غیرمستقیم گفت: مذاکره غیرمستقیم اصلاً چیز عجیبی نیست. در تاریخ روابط بین‌الملل به کرات اتفاق افتاده است. کشورهایی هستند که به دلایل تاریخی، خصوصاً و هر دلیلی حاضر نیستند با هم ملاقات کنند. موارد متعددی در این‌باره وجود دارد. همین الان مذاکره بین روسیه و اوکراین به صورت غیرمستقیم و اتفاقاً از طریق آمریکا صورت

وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که در روز شنبه مذاکرات ایران و آمریکا در عمان به صورت غیرمستقیم برگزار می‌شود و ایران شیوه دیگری را نمی‌پذیرد.

به گزارش خبرآنلاین، «سید عباس عراقچی» وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران روز سه‌شنبه و در جریان سفر به الجزایر درباره روابط تهران-الجزیره و همچنین گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا پرداخت.

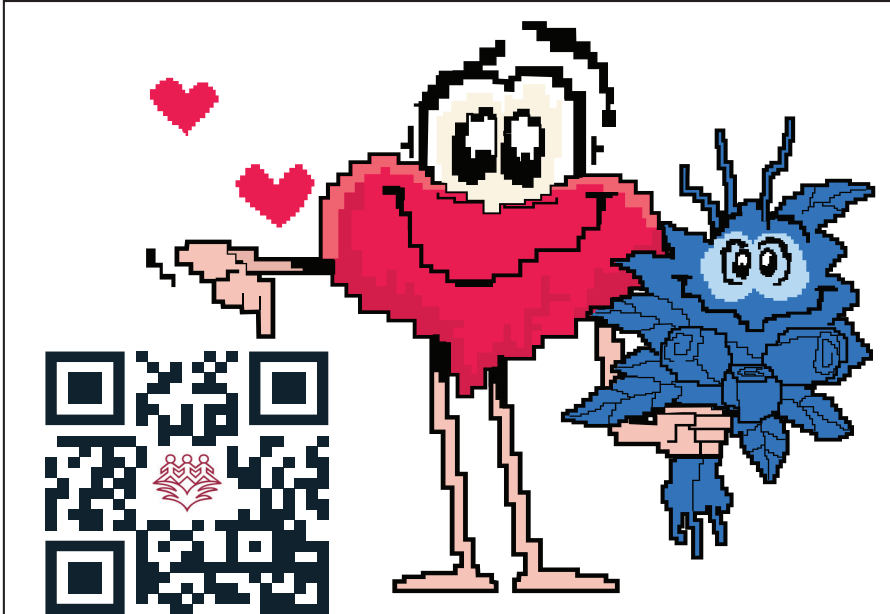
وزیر خارجه ایران درباره روابط تهران-الجزیره گفت: روابط ایران و الجزایر، یک روابط قدیمی مستحکم و ریشه‌دار است. دوستی دو کشور ریشه طولانی دارد و دوستان ما در الجزایر در مقاطع مهم تاریخی در کنار ایران بودند و قدم‌های بسیار خوبی برداشته‌اند.

این دیپلمات عالی‌رتبه جمهوری با بیان اینکه «ایران و الجزایر در ارتباط با مسائل منطقه مواضع مشترکی دارند»، با تمجید از مواضع الجزایر در ارتباط با موضوع فلسطین خاطر نشان کرد: ما همواره در خصوص مسائل منطقه مشورت‌ها و رایزنی‌هایی از نزدیک داشته‌ایم.

عراقچی ادامه داد: در مورد روابط دوجانبه نیز همکاری‌های ایران و الجزایر در سطح نسبتاً مطلوبی جلو می‌رود، با وزیر خارجه الجزایر در تماس و تعامل هستیم و این سفر نیز در همین چارچوب انجام شده است.

شیوه غیرمستقیم بهتر می‌تواند مذاکره را به نتیجه برساند

دیپلمات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران درباره مذاکرات ایران و آمریکا نیز گفت: مذاکرات همان‌طور که اعلام شد و دیشب طی توییتی اعلام کردم، روز شنبه و در عمان برگزار خواهد شد.



یه اسکن میشه بشه سلامتی

با تشخیص زودهنگام سرطان کودکان می‌توان از هزینه‌های سنگین درمان جلوگیری کرد و کودکی را به کودکان بازگرداند. حمایت شما می‌تواند موجب شود تا مؤسسه محک بهترین خدمات حمایتی و درمانی را به کودکان مبتلا به سرطان کشورمان ارائه کند. همیشه با حمایت شما تشخیص سرطان کودکان آسانتر بشه!

با هم ما شویم

۰۲۱ - ۲۳۵۴۰



محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org



۹۰٪ سوخت نیروگاههای برق از گاز است

#همه_از_یک_پیکریم

همه با هم برای ایران



#همه_از_یک_پیکریم

مذاکره ایران و آمریکا



گفت‌وگوی بی‌واسطه‌اند. او با تأکید بر اینکه تماس مستقیم میان مقامات ارشد می‌تواند راه توافق را هموارتر و کوتاه‌تر کند، بار دیگر نشان داد که باور دارد زبان معامله را بهتر از هر دیپلمات حرفه‌ای بلد است. در شرایطی که پرونده ایران بار دیگر به اولویت نخست سیاست خارجی کاخ سفید بدل شده، دونالد ترامپ رویکردی دوگانه را در پیش گرفته است: فشار حداکثری؛ آن هم نه فقط از طریق تحریم و تهدید، بلکه با تلفیقی آشکار از دیپلماسی هدفمند و نمایش قدرت نظامی. ترامپ در اقدامی کم‌سابقه، نامه‌ای رسمی به رهبری جمهوری اسلامی ایران ارسال کرده و برای توافق جدید، مهلتی دوماهه تعیین کرده است؛ حرکتی که از سویی زبان مذاکره را به میدان آورده و از سوی دیگر، در پس آن، صدای غرش جنگ‌افزارها شنیده می‌شود. هم‌زمان، آمریکا ناوهای هواپیمابر و گروه‌های ضربتی دریایی را به منطقه اعزام کرده، بمبافکن‌های استراتژیک بی-۲ را در پایگاه حساس دیگو گارسیا مستقر ساخته و زیرساخت‌های پدافندی و تهاجمی خود را با سامانه‌های پیشرفته به‌روزرسانی کرده است. تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های رسانه‌ای، نه‌تنها صحت این استقرارها را تأیید می‌کنند، بلکه نشان می‌دهند که کاخ سفید سناریوی فشار نهایی را به‌طور جدی در دستور کار دارد. به تعبیر تحلیل‌گران، ترامپ با این آرایش، در حال طراحی میز مذاکراتی است که سایه‌ی هواپیمای بمبافکن بر آن افتاده است.

سایه جنگ، صدای مذاکره: ترامپ و دوگانگی پرمخاطره در مواجهه با ایران

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بار دیگر با زبانی بی‌پرده، از گزینه‌ای سخن گفت که می‌تواند کل خاورمیانه را وارد مرحله‌ای جدید از بحران کند. در گفت‌وگویی با شبکه «ان‌بی‌سی» او صریحاً هشدار داد: «اگر توافقی حاصل نشود، بمباران در کار خواهد بود.» این اظهارات، تازه‌ترین نشانه از راهبرد دوگانه‌ای است که ترامپ در قبال ایران دنبال می‌کند؛ راهبردی که در آن، تهدید آشکار به جنگ، هم‌زمان با چراغ سبز برای مذاکره پیش می‌رود.

اما در داخل کاخ سفید، این سیاست دوگانه شکاف‌هایی عمیق پدید آورده است. منابع آگاه می‌گویند تیم امنیت ملی ترامپ بر سر نحوه مواجهه با ایران به اختلاف نظر رسیده‌اند. مارکو روباو، وزیر امور خارجه دولت ترامپ، اخیراً صراحتاً اعلام کرد که رئیس‌جمهور نه‌تنها آماده اقدام نظامی در صورت رد شروطش از سوی تهران است، بلکه حتی ممکن است پا را فراتر گذاشته و اساس نظام را هدف بگیرد.

در ادامه فشارهای فزاینده کاخ سفید علیه تهران، این‌بار «مایکل والتز»، مشاور امنیت ملی ترامپ، موضعی بی‌سابقه و بی‌پرده اتخاذ کرد. او در گفت‌وگویی با شبکه سی‌بی‌اس اعلام کرد: «این دیگر بازی دیپلماتیکی شبیه دوران اوباما یا بایدن نیست؛ این یک برنامه جامع است؛ یا همه چیز را کنار بگذارند، یا با پیامدهایی سنگین مواجه خواهند شد.

در حالی که لفاظی‌های تهدیدآمیز میان واشنگتن و تهران به اوج رسیده و زمزمه‌های برخورد نظامی در رسانه‌ها طنین‌انداز شده، جامعه اطلاعاتی ایالات متحده روایت متفاوتی از واقعیت میدانی ارائه می‌دهد؛ روایتی که با مواضع جنگ‌طلبانه کاخ سفید فاصله‌ای چشمگیر دارد. «تولسی گبرد»، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، در شهادت اخیر خود در برابر کمیته اطلاعات سنای ایالات متحده تأکید کرد که بر پایه ارزیابی‌های جامع نهادهای اطلاعاتی، ایران هنوز تصمیمی برای ساخت سلاح هسته‌ای اتخاذ نکرده است. به گفته او، برنامه تسلیحاتی‌ای که در سال ۲۰۰۳ متوقف شده بود، همچنان در همان وضعیت باقی مانده و هیچ نشانه‌ای از احیای آن در دست نیست.

تهران در پاسخ به تهدید ترامپ؛ آماده‌ایم، اما خواهان جنگ نیستیم

اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر احتمال «بمباران ایران» موجی از واکنش‌ها را در محافل سیاسی و نظامی ایران برانگیخت. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در خطبه‌های نماز عید فطر که در تهران برگزار شد، با اشاره به این تهدیدات تصریح کرد: «مواضع ما ثابت است و اگر دشمن به ما حمله کند، پاسخ ما به همان اندازه قاطع خواهد بود.» این مواضع که با لحنی استوار و محکم بیان شد، نشانگر عزم راسخ ایران در مواجهه با هرگونه اقدام نظامی از سوی ایالات متحده است.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در اظهار نظری رسمی تأکید کرد که جمهوری اسلامی همواره از جنگ و درگیری اجتناب کرده و هدفی جز حفظ ثبات و امنیت منطقه ندارد. او با اشاره به توان دفاعی کشور خاطرنشان کرد: «ایران هرگز به دنبال استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد غیرصلح‌آمیز نبوده و این امر در دکترین دفاعی ما هیچ جایگاهی ندارد.» به گفته پزشکیان، آمادگی و توانایی دفاعی ایران در بالاترین سطح قرار دارد، اما این آمادگی تنها به منظور دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور است.

در همین راستا، رئیس‌جمهور ایران در تماس تلفنی با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، اعلام کرد که تهران

تصمیم‌گیری سیاسی، به‌سادگی قابل اجرا نخواهد بود.

مدل لیبی یا مقدمه جنگ؟ کارشناسان هشدار می‌دهند: این پیشنهاد، تله‌ای سیاسی است

اظهارات اخیر سناتور تام کاتن درباره تمایل دونالد ترامپ برای استفاده از «مدل لیبی» در مذاکرات با ایران، موجی از واکنش‌ها را در محافل سیاسی و امنیتی به‌دنبال داشته است. اشاره به این مدل، بیش از آن‌که راهکاری دیپلماتیک تلقی شود، به‌مثابه زنگ خطری تلقی شده که در حافظه تاریخی رهبران جمهوری اسلامی به‌وضوح طنین‌انداز است.

«مدل لیبی» به توافق سال ۲۰۰۳ بازمی‌گردد، زمانی که معمر قذافی، رهبر وقت لیبی، در برابر وعده‌های غرب از برنامه تسلیحات هسته‌ای خود عقب نشست. اما این معامله، نه به ثبات انجامید و نه به تضمین امنیت. تنها چند سال بعد و در پی ناآرامی‌های داخلی و حملات هوایی ناتو، قذافی از قدرت سرنگون شد و سرنوشت او به شکلی تراژیک در حافظه سیاست‌مداران منطقه حک شد. اکنون، مطرح شدن دوباره این مدل در قبال ایران به‌وضوح پیام هشتمی ارسال می‌کند. برای تهران، مدل لیبی نه نماد موفقیت دیپلماتیک، بلکه نماد «خلع سلاح» در برابر سقوط؛ است؛ تجربه‌ای که جمهوری اسلامی بارها تأکید کرده هرگز در آن گام نخواهد گذاشت.

در پی مطرح شدن اظهارات سناتور تام کاتن درباره استفاده از «مدل لیبی» به‌عنوان چارچوب پیشنهادی برای مذاکره با ایران، تحلیل‌گران برجسته هشدار داده‌اند که چنین مدلی نه تنها غیرواقع‌بینانه است، بلکه ممکن است عمداً برای شکست دیپلماسی طراحی شده باشد. «گریگوری برو»، تحلیل‌گر ارشد در گروه اوراسیا، به صراحت می‌گوید که ایران هرگز حاضر به پذیرش مدلی نخواهد شد که مستلزم برچیدن کامل برنامه هسته‌ای‌اش باشد؛ برنامه‌ای که نه تنها نماد استقلال فناوریانه، بلکه ابزار چانه‌زنی استراتژیک تهران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تلقی می‌شود. به باور برو، اگر سناتور کاتن این واقعیت را درک کرده باشد، پس طرح مدل لیبی نه برای رسیدن به توافق، بلکه به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار شدیدتر و یا حتی توجیه اقدام نظامی مطرح شده است.

از سوی دیگر، «مت داس»، مشاور سابق سیاست خارجی برنی سندرز، با لحنی قاطع تأکید می‌کند که ایران با درس‌هایی که از سرنوشت قذافی آموخته، هرگز زیر بار چنین مدل تحقیرآمیزی نخواهد رفت. به گفته او، «مدل لیبی» در واقع تله‌ای است برای نابودی دیپلماسی؛ چرا که هیچ کشور مستقلی، به‌ویژه در شرایط تهدید، داوطلبانه از اهرم‌های دفاعی‌اش صرف‌نظر نمی‌کند. داس همچنین با اشاره به سابقه جنگ‌طلبانه تام کاتن خاطرنشان می‌کند: این سناتور از ابتدا به‌دنبال برخورد نظامی با ایران بوده و اکنون با طرح مدلی ناممکن، عملاً به‌دنبال خنثی کردن هرگونه مسیر توافق است.

«دنیس سیترونوویچ»، از تحلیل‌گران برجسته سیاست امنیتی هشدار داده است که در صورت تبدیل این گفت‌وگو به موضع رسمی دولت آمریکا، احتمال رسیدن به توافق با ایران به نزدیک صفر خواهد رسید. او تأکید می‌کند: «ایران تنها زمانی وارد مذاکره خواهد شد که چارچوب گفت‌وگو، حق ادامه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیزش را به رسمیت بشناسد و تضمین‌هایی مشخص برای رفع تهدیدات ارائه دهد. اما اگر واشینگتن بر تعطیلی کامل این برنامه پافشاری کند، اساساً جایی برای گفت‌وگو باقی نخواهد ماند.»

آماده است تا همچون گذشته فعالیت‌های هسته‌ای خود را تحت نظارت کامل قرار دهد و با ریااض در زمینه‌هایی که منافع مشترک و احترام متقابل وجود دارد، وارد گفت‌وگو شود.

علی لاریجانی، رئیس سابق مجلس شورای اسلامی، در واکنش به تهدیدات اخیر ایالات متحده هشدار داد که هرگونه اشتباه آمریکا علیه ایران می‌تواند تحت فشار افکار عمومی، تهران را به سمت توسعه سلاح هسته‌ای سوق دهد. وی تأکید کرد که حمله به برنامه هسته‌ای ایران تنها به ضرر واشینگتن تمام خواهد شد و قادر به متوقف کردن پیشرفت‌های هسته‌ای کشور نخواهد بود.

لاریجانی در ادامه تأکید کرد: پیشنهاد ایران برای مذاکرات غیرمستقیم اقدامی استراتژیک به منظور «آزمایش طرف آمریکایی» است. وی ضمن ابراز تردید نسبت به تمایل واشینگتن به اقدام نظامی علیه تهران، احتمال وقوع چنین حمله‌ای را ضعیف دانست و تأکید کرد که فرماندهان نظامی ایران برای هر سناریویی آمادگی کامل دارند. او همچنین خاطرنشان کرد که ایران به‌دنبال جنگ نیست و از دونالد ترامپ که خود را «رئیس‌جمهور صلح» معرفی می‌کند، خواست تا از تهدید به جنگ دست بردارد. لاریجانی پیشنهاد کرد که اگر آمریکا واقعاً به دنبال منافع اقتصادی است، بهتر است به شکلی عادلانه با ایران همکاری کند؛ چرا که چنین رویکردی به سود هر دو کشور خواهد بود.

سایه تهدید، بدون شعله جنگ؛ آرایش نظامی آمریکا ابزاری برای چانه‌زنی؟

اگرچه حضور نظامی ایالات متحده در منطقه به‌طور چشمگیری تقویت شده، از اعزام ناوهای هواپیمابر و استقرار بمبافکن‌های بی-۲ گرفته تا ایجاد آرایش پدافندی گسترده، اما شواهد موجود حاکی از آن است که یک حمله قریب‌الوقوع به ایران فعلاً در دستور کار نیست. به باور بسیاری از تحلیل‌گران، این تحرکات بیشتر بخشی از سناریوی «فشار از بالا، مذاکره از پایین» است؛ الگویی که دونالد ترامپ در دیگر پرونده‌های سیاست خارجی خود از جمله کره شمالی از آن بهره گرفته است. اکنون نیز به‌نظر می‌رسد او با تکرار همین فرمول در قبال ایران، در پی تحمیل یک توافق سریع و پرستاورد است؛ توافقی که بتواند آن را به‌عنوان پیروزی سیاست خارجی خود معرفی کند.

در حالی که لفاظی‌های نظامی میان واشینگتن و تهران شدت گرفته، بسیاری از تحلیل‌گران نظامی هشدار می‌دهند که گزینه «بمباران ایران»، نه تنها ساده نیست، بلکه می‌تواند به بحرانی تمام‌عیار بدل شود؛ به‌ویژه اگر هدف، فلج‌سازی توان هسته‌ای و زیرساخت‌های نظامی ایران باشد.

تحلیل‌گران بر این عقیده هستند: سامانه‌های پیشرفته پدافند هوایی، ساختار گسترده فرماندهی و کنترل و تجربه‌ی عملیاتی نیروهای ایرانی در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای، همگی عواملی‌اند که هرگونه حمله احتمالی را با پیچیدگی‌های راهبردی و عملیاتی همراه می‌سازند. کارشناسان تأکید دارند که حمله‌ای مؤثر، که هم تأسیسات هسته‌ای را مختل کند و هم واکنش فوری ایران را از کار ببندارد، نیازمند بسیج گسترده‌ای از نیروی انسانی، تجهیزات سنگین، پشتیبانی اطلاعاتی دقیق و عملیات روانی پیش‌دستانه است. با وضعیت فعلی استقرار نیروها و محدودیت‌های لجستیکی ایالات متحده در منطقه، چنین سناریویی، حتی در صورت

ممنوعیت صادرات خرما لغو شد

سازمان توسعه تجارت در اسفند ماه سال گذشته صادرات ۳ نوع خرما با هدف تنظیم بازار و تأمین نیاز کشور در ایام نوروز مقارن با ماه مبارک رمضان را ممنوع اعلام کرده بود که اکنون جهاد کشاورزی

بخشنامه ممنوعیت صادرات خرما را لغو کرد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایسنا، معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی در نامه‌ای به سازمان توسعه تجارت اعلام کرد،

رشد خزنده قیمت خودرو از ابتدای سال ۱۴۰۴:

نجات صنعت خودرو در گرو جراحی عمیق سیاسی است تا اصلاحات مقطعی اقتصادی



شده است.

وضعیت کلی صنعت خودر و ایران و گسترش زبان دهی

از سوی دیگر تقریباً آخرین گزارش پژوهشکده پولی و بانکی از صنایع بوری در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که خودروسازی به عنوان زیاده‌ترین صنعت شناخته شده و بیشترین زیان را ثبت کرده است. همچنین افزایش تعداد شرکت‌های زیان‌ده نشان می‌دهد که این معضل از هسته مرکزی خودرو به زنجیره تأمین اشاعه پیدا کرده است.

در همین حال باید توجه داشت که شاخص قیمت صنعت خودرو در دی ماه به ۳۳.۳ درصد رسیده که علی‌رغم کاهش اندکی نسبت به آذر ماه (۳۴.۸ درصد) همچنان رقم بسیار بالایی است و هم چنین کاهش رشد سود اسمی از ۲۲.۲ درصد در ۶ ماه نخست به ۱۳.۱ درصد در ۹ ماهه ۱۴۰۳، علاوه بر ادامه تورم، نشانه‌ای از مشکلات ساختاری و کاهش کارایی در صنعت است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد که سال‌ها قیمت‌گذاری دستوری و دخالت‌های غیرکارشناسی منجر به کمبود نقدینگی در خودروسازی شده و این مشکل به قطعه‌سازی سرایت کرده است.

هم چنین مساله مهم دیگر اکنون در بازار خودرو ایران یکی این است که اختلاف قابل توجه بین قیمت کارخانه و بازار آزاد، تقاضای سرمایه‌ای و سوداگرانه را افزایش داده است.

بازاری که گروگان گرفته شد

از سوی دیگر به گزارش اقتصاد ۲۴، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از سال ۱۳۹۰، بهانه‌ای تمام‌عیار برای توجیه ناکامی‌های صنعت خودرو شد؛ اما داده‌های عینی روایت دیگری دارد: بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تولید خودرو در سال ۱۳۹۰ (پیش از تشدید تحریم‌ها) بیش از ۱.۶ میلیون دستگاه بود، در حالی که این رقم در سال ۱۴۰۲ به ۱.۳ هزار دستگاه کاهش یافت؛ تحریم‌ها هرچند دسترسی به فناوری‌های روز و قطعات را محدود کرد، اما سوءمدیریت، تأثیر این محدودیت‌ها را تشدید کرد. از سوی دیگر، تحریم‌ها بهانه‌ای

در واقع اکنون می‌توان گفت که از ابتدای سال ۱۴۰۴ کف قیمت خودرو صفرکیلومتر در بازار ایران به نیم میلیارد تومان رسیده و حالا هفت محصول داخلی در جمع ماشین‌های میلیاردی قرار دارند. اما بازار خودرو ایران بطور این مسیر را پیموده و واقعا در ادامه تا کجا این روند ادامه خواهد یافت؟

سوالاتی از این دست درباره وضعیت

صنعت خودرو ایران اکنون بسیار جدی است. صنعت خودرو ایران، با شصت سال قدمت، امروز به نمادی از تناقضات اقتصادی-سیاسی بدل شده است. سهم چهار درصدی آن از تولید ناخالص داخلی و سهم بیست درصدی از ارزش افزوده بخش صنعت، تنها بخشی از اهمیت استراتژیک این صنعت را بازتاب می‌دهد.

اما این ارقام، روی دیگری نیز دارند: صنعتی که به جای تبدیل شدن به موتور محرک توسعه، به ماشین پول‌خوار و بی‌بازده تبدیل شده و حمایت‌های بی‌قیدوشرط دولتی، این صنعت را به کودکی لوس و تن‌پرور مبدل ساخته که نه قادر به ایستادن بر پای خود است و نه حاضر به رها کردن شیرین کامی رانتهای کلان.

خودروسازان داخلی، با شعار «تولید ملی»، سال‌هاست محصولاتی با کیفیت نازل و قیمت‌های نجومی را به جامعه تحمیل می‌کنند؛ گویی «ملی‌بودن» توجیه‌کننده هرگونه ناکارآمدی است.

انحصار سرطان صنعت

صنعت خودروی ایران از دهه ۱۳۶۰، با ورود سرمایه‌داران نزدیک به ساختار قدرت، به عرصه‌ای برای شکل‌گیری مافیای اقتصادی تبدیل شد. این شبکه‌ها، با کنترل زنجیره تأمین قطعات، قیمت‌گذاری و توزیع، هرگونه رقابت سالم را نابود کردند. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد ۸۵ درصد بازار خودروی ایران در انحصار دو شرکت ایران‌خودرو و سایپا است، در حالی که این دو شرکت تنها ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خطوط تولید خود را فعال نگه داشته‌اند. کما این که همین انحصارطلبان، با سوءاستفاده از گفتمان «مقاومت اقتصادی»، هرگونه انتقاد را به سنگ‌اندازی متهم می‌کنند. در واقع، انحصار نه یک انتخاب، که یک استراتژی حساب شده برای حفظ جریان رانت است.

بنا بر داده‌های دیده‌بان ایران، قیمت خودرو در ایران تنها در ۱۳ سال بیش از ۳۰۰۰ درصد افزایش یافته و خرید خودرو برای بسیاری از مردم به یک رویا تبدیل

نجات صنعت خودرو نیازمند جراحی عمیق سیاسی است، نه اصلاحات مقطعی اقتصادی. سوال اساسی اینجاست: آیا ساختار حاکمیتی حاضر است هزینه‌های سنگین مقابله با مافیای خودرو را بپذیرد؟ پاسخ این سوال، نه در گزارش‌ها، که در میدان عمل سیاستمداران نهفته و آمارهای جدید نشان می‌دهد صنعت خودروی ایران در چرخه‌ای معیوب از کاهش تولید، افزایش بدهی‌ها و وابستگی به قطعات وارداتی گرفتار شده است. بدون اصلاحات ساختاری مانند شفاف‌سازی مالی، کاهش انحصار و جذب سرمایه خارجی، این روند نزولی ادامه خواهد یافت. این بحران نه تنها اشتغال هزاران کارگر را تهدید می‌کند، بلکه تأثیر مستقیمی بر قدرت خرید و رفاه عمومی جامعه خواهد داشت.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴- روزهایی که شهروندان ایرانی احتمالاً درگیر تعطیلات نوروز، سفر و شاید دید و بازدید نوروزی بودند و احتمالاً تصور می‌کردند دستکم برای چند روزی قرار است بازارهای اصلی و سرمایه کشور در آرامش باشد، اما حال با نگاهی به ارقام و پیشروی قیمت‌ها می‌توان این طور ارزیابی کرد که همه رویاهایشان بر باد شده است. پیشروی عجیب قیمت دلار در ایران همراه با صعود قیمت طلای جهانی به معنای رشد تقریباً بیشتر قیمت کالاها و خدمات در ایران شد و در این میان بازار خودرو نیز ادا از این غافل‌جا نمانده است. به این ترتیب اکنون می‌توان گفت که حالا هیچکدام از مدل‌های داخلی کمتر از نیم‌میلیارد فروخته نمی‌شوند و ساینا و کوئیک که اقتصادی‌ترین سواری‌های تولیدی به حساب می‌آیند هر کدام به‌طور متوسط ۵۰۰ میلیون تومان قیمت خورده‌اند و آن طرف‌ری را به‌عنوان گران‌ترین سواری داخلی با قیمتی نزدیک یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون در بازار حضور دارد.

میزان افزایش قیمت مدل‌هایی مثل دنا پلاس آپشنال در این دو هفته حدود ۱۰۰ میلیون تومان بوده و حالا دست‌کم هفت مدل داخلی در جمع ماشین‌های میلیاردی بازار قرار دارند.

کوئیک و ساینا بعد از کنار رفتن پراید و تیا از خط تولید، ارزان‌ترین سواری‌های فعلی بازار حساب می‌شوند.

اگر قبل تعطیلات نوروز در بازار آزاد سراغ کوئیک GX L دنده‌ای مدل ۱۴۰۳ را می‌گرفتید، ارقام پیشنهادی فروشنده‌ها به‌طور متوسط ۴۸۰ میلیون تومان بود. بعد تقریباً دو هفته از آغاز سال نو، اما قیمت کوئیک GX L دنده‌ای مدل ۱۴۰۳ به ۵۰۰ میلیون تومان رسیده است.

در مقابل این ارزان‌ترین‌ها نیز اکنون ری‌را گران‌ترین سواری داخلی است. به گزارش اقتصاد ۲۴، این شاسی‌بلند ملی ایران‌خودرو در حال حاضر به‌طور متوسط یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان به خریداران پیشنهاد می‌شود، اما ۲۸ اسفند پارسال ارقام پیشنهادی فروشنده‌های ری‌را یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان بود.



دستگاه، رتبه اول خاورمیانه را دارد. به این ترتیب صنعت خودروی ایران در آستانه تصمیمی تاریخی قرار دارد؛ تغییر ساختاری یا مرگ تدریجی. هر راهکاری نیازمند جراحی ریشه‌ای است: انحلال انحصارها، شفاف‌سازی مالی، جذب سرمایه

خارجی و بازتعریف رابطه دولت و بازار.

مصرف‌کننده قربانی یا بازیگر؟

موضوع دیگر در صنعت خودروی ایران یکی این است که، مصرف‌کننده را در نقش دوگانه «گروگان اقتصادی» و «منبع درآمد بی‌پایان» تعریف کرده است.

از طرفی یکی از مشکلات جدی خودروسازی در ایران، اختلاف قیمت کارخانه و بازار خودروهای داخلی است. این مشکل، سال‌هاست در بازار ایران وجود دارد و به‌نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک هم راه‌حل مناسبی برای آن پیدا شود. دولت‌های مختلف هم با وعده حل این مشکل سر کار آمده‌اند؛ اما نتنها توفیق چندانی نداشتند، بلکه در بسیاری از مواقع به بحرانی‌تر شدن اوضاع دامن زدند.

جالب است بدانید که بیشترین اختلاف قیمت کارخانه و بازار خودروهای داخلی در سال ۱۴۰۲ با ۱۳۷ درصد مربوط به پژو ۲۰۷ دنده‌ای برقی بود. بدیهی است که این میزان اختلاف قیمت در هر بازاری، فضا را برای دلالی مهیا می‌کند.

از سوی دیگر، کیفیت پایین خودروها هزینه‌های جانبی سنگینی به جامعه تحمیل کرده است. بر اساس گزارش پلیس راهور، بخش بزرگی از تصادفات مرگبار در سال ۱۴۰۲ مرتبط با نقص فنی خودروهای داخلی بوده‌اند. این در حالی است که صنعت خودرو بخش کمی از درآمد خود را به پژوهش در حوزه ایمنی اختصاص می‌دهد.

بحران چندلایه صنعت خودرو

مصرف‌کننده ایرانی امروز در دوراهی خطرناکی گرفتار شده است: خرید خودروی داخلی با کیفیت نازل و قیمت

بالا، یا ریسک خرید خودروی وارداتی با قیمت نجومی. این بن‌بست، اعتماد عمومی را به طور سیستماتیک تخریب کرده است. نجات این صنعت نیازمند جراحی عمیق سیاسی است، نه اصلاحات مقطعی اقتصادی. سوال اساسی اینجاست: آیا ساختار حاکمیتی حاضر است هزینه‌های سنگین مقابله با مافیای خودرو را بپذیرد؟ پاسخ این سوال، نه در گزارش‌ها، که در میدان عمل سیاستمداران نهفته است.

از طرفی آمارهای جدید نشان می‌دهد صنعت خودروی ایران در چرخه‌ای معیوب از کاهش تولید، افزایش بدهی‌ها و وابستگی به قطعات وارداتی گرفتار شده است. بدون اصلاحات ساختاری مانند شفاف‌سازی مالی، کاهش انحصار و جذب سرمایه خارجی، این روند نزولی ادامه خواهد یافت.

این بحران نه تنها اشتغال هزاران کارگر را تهدید می‌کند، بلکه تأثیر مستقیمی بر قدرت خرید و رفاه عمومی جامعه خواهد داشت.

برای انحراف مسئولیت‌پذیری شد. در حالی که مدیران خودروساز از کمبود قطعات می‌نالیدند.

دبیر انجمن قطعه‌سازان در بهمن سال جاری اعلام کرد که زبان انباشته ۲ خودروساز بزرگ ۲۵۰ همت، بدهی جاری ۲ خودروساز بزرگ ۴۵۰ همت، بدهی کل معوق تعیین تکلیف نشده خودروسازان دولتی و خصوصی به زنجیره تأمین ۴۵ همت و کل بدهی تعیین تکلیف نشده خودروسازان به زنجیره تأمین ۱۱۰ همت است، بدهی‌هایی کلان به تأمین‌کنندگان داخلی که نشان می‌دهد این مشکل ریشه در درون دارد، نه بیرون.

بازار خودروی ایران به آزمایشگاهی برای نظریه «اقتصاد رانتی» بدل شده است. افزایش ۲۰ تا ۲۳ درصدی قیمت خودرو در سال ۱۴۰۲، در برابر رشد ۱۰۰ درصدی نرخ ارز، نشان می‌دهد که قیمت‌گذاری نه بر اساس هزینه‌های واقعی، که بر مبنای معادلات سیاسی صورت می‌گیرد. دولت با اعمال سیاست‌های دوگانه، از یک سو با تبلیغ «حمایت از تولید ملی» مشروعیت می‌خرد و از سوی دیگر، با اجازه

افزایش قیمت‌ها، جیب انحصارگران را پر می‌کند. این بازی سیاسی به بهای نابودی طبقه متوسط تمام شده است. بر اساس محاسبات بانک مرکزی، یک خانوار شهری در سال ۱۴۰۲ باید ۱۴۰ ماه تمام درآمد خود را برای خرید یک خودروی صندوق‌دار ذخیره کند، حال آنکه این رقم در سال ۱۳۹۵، ۴۸ ماه بود. این اعداد، گویای عمق فاجعه اجتماعی است.

چرخه معیوب تولید در صنعت خودرو ایران

در این بین اما تگران کننده شاید یکی این است که صنعت خودروی ایران حتی به استانداردهای مونتاژ نیز پایبند نیست. به گزارش اقتصاد ۲۴، طبق داده‌ها واردات قطعه ۶.۵ برابر خودرو است و به ادعای رئیس اتحادیه صنف تولیدکنندگان و فروشنندگان لوازم یدکی حدود ۸۰ درصد قطعات یدکی وارداتی هستند و خیلی از قطعات تولیدی هم مواد اولیه وارداتی دارند.

این وابستگی جدا از منافات با شعار تولید داخلی، باعث شده هر نوسان در نرخ ارز، زنجیره تولید را فلج کند. در همین حال، برنامه‌های به اصطلاح توسعه‌ای مانند تولید خودروی الکتریکی، بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. ایران در سال ۱۴۰۲ تنها ۱۲۰۰ دستگاه خودروی برقی تولید کرد، در حالی که کشور همسایه ترکیه، با تولید ۴۵ هزار

زوج کارگردان فیلم «کیک محبوب من» به زندان محکوم شدند



مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها زوج کارگردان که فیلم «کیک محبوب من» را تولید کردند به زندان محکوم شدند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، این دو کارگردان سسینمای ایران، روز دوشنبه ۱۸ فروردین

در پیام خود نوشتند: «پیرو ابلاغیه روز دهم فروردین مبنی بر صدور احکام پرونده فیلم کیک محبوب من، بعد از تعطیلات نوروز به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مراجعه کردیم و احکام پرونده به کارگردانان (بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم) و تهیه‌کننده (غلامرضا موسوی) که به ترتیب متهمین ردیف اول و دوم و سوم محسوب می‌شوند، ابلاغ گردید.»

بر اساس گزارش میزان، در حکم صادر شده آمده است: «هریک از متهمین ردیف اول و دوم بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام در ماهیت نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به تحمل ۱۴ ماه حبس تعزیری (تعلیق به مدت پنج سال) و پرداخت ۴۰۰ میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌گردند.» براساس این حکم همچنین: «هریک از متهمین ردیف اول و دوم و سوم بابت مشارکت در تهیه محتوای مبتذل به تحمل یک سال حبس تعزیری (تعلیق به مدت پنج سال) و ضبط کلیه تجهیزات مربوطه محکوم می‌گردند.»

دادگاه انقلاب تهران همچنین هر یک از متهمین ردیف اول و دوم و سوم را بابت نمایش فیلم بدون داشتن پروانه نمایش و عرضه به پرداخت مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوطه محکوم کرده است.

فیلم سینمایی کیک محبوب من به‌رغم دریافت پروانه ساخت، بدون رعایت حساب با بازی «لی‌لی فرهادپور» و «اسماعیل محرابی» در داخل ایران ساخته شد.

این فیلم درباره زنی میانسال است که انتخاب می‌کند شبی را مطابق خواسته و علاقه‌اش با مردی هم‌سن خود بگذراند.

این فیلم در بخش مسابقه جشنواره برلین سال ۱۴۰۲ حاضر بود و موفق شد جایزه بهترین فیلم از نگاه داوران «فیپرشی» را از آن خود کند. کیک محبوب من همچنین در جشنواره فیلم شیکاگو نیز جایزه هوگو نقره‌ای را به خود اختصاص داد.

پس از پنجاه سال، دوباره اسکویی دو



اسکویی دو، یک سریال انیمیشنی بسیار محبوب است که تئلیکس پس از پنجاه سال تصمیم به ساخت لایو اکشن آن گرفته و در این مورد بسیار هیجان زده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، با گذشت بیش از پنجاه سال،

ما شاهد ساخت سه فیلم سینمایی و بیش از دوازده انیمیشن سریالی از این عنوان بودیم، اما اسکویی دو هنوز هم یکی از شخصیت‌های نمادین و بسیار برجسته است. با این حال، کم‌تر کسی از نحوه آشنایی این سگ ترسو و گروهی که او را در حل معماها یاری می‌کنند، آگاه است. برای ساخت یک سریال جدید از این فرانچایز، جاش آپلبام و اسکات روزنبرگ (مالکین شرکت Midnight Radio) به سراغ این داستان رفته‌اند و قصد دارند ماجرای اولین پرونده‌ای را روایت کنند که شروع این داستان بوده است. این سریال قصد دارد نسخه مدرن و تازه‌ای از شخصیت‌های کلاسیک ساخته شده توسط هانا-باربرا ارائه دهد.

بر اساس گزارش سلام سینما، این سریال داستان شگی و دافنه را روایت خواهد کرد که در کمپ رابی‌اسپیزر تابستان‌شان را سپری می‌کنند. آنها به صورت تصادفی درگیر معمای ترسناکی می‌شوند که به سگ شمش‌شده‌ای مربوط است. پس تصمیم می‌گیرند به همراه دو شخصیت دیگر به نام‌های ولما (شخصیت باهوش و منطقی) و فردی (پسری مرموز و جذاب) این معما را حل کنند، اما این پرونده به طرز مرموزی دوستی اعضای گروه را به چالش می‌کشد و رازهای پنهان‌شان را آشکار می‌کند. پتر فریدلندر، یکی از مدیران اجرایی شرکت تئلیکس، در این باره اظهار هیجان کرده و گفته است این سریال، در کنار کسب رضایت طرفداران قدیمی، برای طرفداران جدید اسکویی دو هم جذاب خواهد بود.

صداوسیما آدم جذاب می‌خواهد



این منتقد با بیان اینکه تلویزیون برای جامعه پیشرفته امروزی متأسفانه برنامه‌سازی کهنه می‌کند، توضیح داد: برای مخاطب عالم امروز، برای نسل جوانی که به اصطلاح در دسترس همه امکانات و به هر حال پدیده‌های فرهنگی و تصویری است، با این برنامه سازی‌های کهنه نمی‌شود به جنگ نسل پر ادعای صاحب امکانات امروزی رفت. باید تلویزیون در بخش «چگونه گفتن» به‌روز باشد.

باید مدیریت سرزنده شاداب اجتماعی پشت تلویزیون باشد

فهم سپس گفت: تجربه امسال برای تلویزیون یک زنگ خطر و یک هشدار است. این که باید فکری اساسی کنند. جرعه‌هایی که الان زده شد مثل پایتخت نشان می‌دهد که اگر تلویزیون فکر نکند همین هم سال دیگر نخواهند بود. این سریال بعد از چند سال با تمام ضعف‌های بدیهی که داشت آمد، آیا سال دیگر هم همین کار ساخته خواهد شد مگر اینکه مدیریت سرزنده شاداب اجتماعی پشت تلویزیون باشد و در درجه اول با این مقوله‌ها عجين باشند. باید بپذیریم که مردم خنده می‌خواهند.

او درباره فصل هفتم پایتخت هم گفت: قسمت‌های ابتدایی پایتخت سرد گرم بود و به نوعی مشخص بود که دچار یک پارادوکس در ایجاد یک قصه کامل و شاه‌پیرنگ شدند. به عبارتی موضوعات مختلف را به‌دستمایه قرار داده بودند با موضوعات بسیار دم دستی مثل اعتیاد و دروغ‌گویی نقی در مورد سمعک ... قصه به دست فراموشی سپرده شده بود اما از قسمت هفتم به بعد با آمدن شخصیتی مثل بهرام افشاری کار جان می‌گیرد.

شخصیت ارسطو در هواست

به باور این منتقد «وجود شخصیت رحمت با بازی هومن حاجی‌اللهی در این فصل اتفاق خوبی است و بیشتر قصه با وجود این شخصیت پیش می‌رود و حتی شخصیت ارسطو هم در هواست. فقط یک ماشین زیر پای این شخصیت انداخته‌اند و اساسا قصه را جلو نمی‌برد بلکه رحمت است الان قصه را بالا پایین می‌کند.»

تبعات تغییر شخصیت‌ها و شتاب‌زدگی در پایتخت

او در پایان با اشاره به تغییر شخصیت‌های پایتخت گفت: تقریباً همه شخصیت‌ها تغییر کردند. نقی واقعا آن نقی معمولی نیست. ما نمی‌توانیم او را بفهمیم. او پیش از این گاهی آدم مثلاً منفی مثبتی بود اما الان کاملاً دم‌دستی شده است.

فهم درباره تغییر شخصیت‌های هما و فهیمه و برخی شخصیت‌های دیگر در سریال پایتخت نیز گفت: تغییراتی که در فیزیک این شخصیت‌ها اتفاق افتاده همه به سادگی این خانواده و جذابیت‌های همگرایی خانواده آسیب زده است؛ به عنوان مثال خود هما همواره به عنوان یک سستون در خانواده مطرح بود و با تدبیرها و راهگشایی‌هایش با از برخی حوادث پیشگیری می‌کرد ولی الان این ویژگی را ندارد و شکل قصه نشان می‌دهد یک شتاب زدگی در تصمیم‌گیری و رسیدن به تولید اتفاق افتاده است.

می‌شوند.

وی با اشاره به رویکرد تحول در صداوسیما اظهار کرد: بحث رویکرد تحولی در صداوسیما این بود که به جای چهره محوری، به جای سلبریتی محوری، خلاقیت محوری یا ایده‌های ناب محوری را سرلوحه خودشان قرار بدهند و به دنبال کشف صاحبان این نوع ایده‌ها باشند. هنرمندمحوری یا شهرت‌محوری به جای سلبریتی‌محوری شعارهای خوبی است و سیاست‌های درستی است که اگر محققانه و پژوهش‌محورانه کمی از قسمتی اتفاق می‌افتاد، بسیاری از مسائل حل می‌شد. عملاً دیدیم چهره‌ها و سلبریتی‌ها به تنهایی هم جواب نمی‌دهند. در برنامه‌های امسال مشاهده کردید که گلزار بود، رضویان بود، کیایی بود و حتی عروسک جناب‌خان را آوردند اما باز هم اینها نتوانستند اتفاقی رقم بزنند. هر چند دیده شدند اما اتفاقی نو در سطح جامعه نبودند.

با محدودیت آدم‌های کاریز ماتیک رویه‌رو بودیم

فهم دلیل بی‌رمقی در برنامه‌های نوروز را ضعف در متن‌ها و فیلم‌نامه عنوان کرد و گفت: متأسفانه متن‌ها، پلاتوها و گفتگوها ضعیف بودند. با محدودیت آدم‌های کاریز ماتیک رویه‌رو بودیم؛ آدم‌هایی که جذاب باشند. به هر صورت گفته‌اند تلویزیون باید مفرح باشد. یکی از دلایل گرایش مخاطبان به تفریح بحث کاریز ماتیک بودن آدم‌هایی است که می‌آیند و در برنامه‌ها حضور دارند، اما چیزی که دیدیم این بود که اغلب افراد، نه از دانش بالایی برخوردار بودند که بگوییم آن دانش خودش جاذبه ایجاد می‌کند، نه ظاهر و فیزیک خاصی داشتند. اساساً برنامه‌های گفت‌گو محور برنامه‌های آنتن پر کن بیپه‌وده‌ای بودند. به‌جز کارهایی که به مناسبت ماه مبارک رمضان بود مثل برنامه‌های سحرگاہی که مخاطبان مخصوص خودش را دارد.

این منتقد با بیان اینکه الان بحث بر سر جذب یا رویش یا ریزش مخاطبان خاکستری در تلویزیون است، گفت: مخاطبانی که قرار است در مقطعی به درد جامعه بخورند، به درد اتفاقات ناگهانی بخورند. برنامه‌ای که بتواند آن طیف را راضی کند، به ندرت دیدیم؛ به‌جز برنامه‌هایی که اشاره کردم به ویژه «پایتخت» مابقی آنتن پرکن بودند.

سرگرمی‌سازی آدم‌های خودش را می‌خواهد. به زور نمی‌شود برنامه‌ساز تراشید، به زور نمی‌شود به کسی گفت که تو مثلاً سرگرمی خلق کن. سرگرمی قطعاً هنرمند می‌خواهد. از قدیم گفته‌اند که آدم‌های این‌کاره می‌خواهد. تلویزیون فعلاً نتوانسته محیط را گرم کند و نهایتاً اگر توفیقی امسال کسب کرد به دلیل چند کاری است که مخاطبان از قبل از آن‌ها خاطره دارند و مهم‌ترین آن «پایتخت» بود.

تلویزیون با «پایتخت» از این رو به آن رو شد

به باور این منتقد، تلویزیون با پخش «پایتخت» دیده شد. او توضیح داد: «پایتخت» به‌رغم ضعف‌های آشکاری که داشت، دیده شد. به قول معروف با پخش این مجموعه، تلویزیون از این رو به آن رو شد. گویی انقلابی اتفاق افتاد. چون مدت‌ها بود دچار سکون و سکوت بود و آنچنان که باید در محافل خانواده‌ها نبود، یک‌باره «پایتخت» آمد و این فضا را تغییر داد و همه را متوجه خود کرد. این نشان می‌دهد چقدر در این چند سال تلویزیون در زمینه جایگزینی برندهای خودش کوتاهی کرده است؛ یعنی هر کدام از برندهایی را که در این چند سال از دست داد، نتوانست جایگزینی برای آن ارائه بدهد که اشکال را آقایان واقعا باید پیدا کنند.

فهمیم با اعتقاد بر اینکه تلویزیون نهایتاً در تولید برنامه به ساختار گذشته روی آورده است، اظهار کرد: تلویزیون باز هم سوار بر اسب زین کرده قبل شد؛ به جای اینکه بتواند خودش اسبی تربیت کند، راهور باشد و مسیر را ادامه بدهد؛ بنابراین «پایتخت» آمد و به هر حال این فضا را عوض کرد. البته برنامه‌هایی بود که به هر حال از سوی برخی علاقمندان و طیف‌ها دنبال می‌شد؛ مثل برنامه «زندگی پس از زندگی» - حال اینکه چقدر علمی است و مباحث دیگر بماند - اما به هر حال یک برنامه جذاب است و خانواده‌ها پای آن می‌نشینند و همچنان نگاه می‌کنند.

به باور وی در بین برنامه‌هایی که ناشی از سیاست‌گذاری‌های جدید تلویزیون بود، چندان برنامه قابل دفاعی ساخته نشده است. فهمیم در ادامه با اشاره به برنامه «محفل» نیز گفت: برنامه‌هایی از جنس «محفل» با طیف مخاطبان بیشتر که موضوعات ماورایی، متافیزیک، دینی و مذهبی دارند، معمولاً دیده

یک منتقد سینما و تلویزیون با بیان اینکه تلویزیون همچنان برای جامعه پیشرفته امروزی کهنه برنامه‌سازی می‌کند، درباره ویژه‌برنامه‌های نوروز ۱۴۰۴ با اشاره به سریال «پایتخت»، اظهار کرد: با پخش این مجموعه، تلویزیون از این رو به آن رو شد. گویی انقلابی اتفاق افتاد. هر چند آمدن «پایتخت» نشان می‌دهد در این چند سال تلویزیون در زمینه جایگزینی پرندهایش کوتاهی کرده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایسنا محمدتقی فهمیم درباره برنامه‌های نوروزی تلویزیون معتقد است: تلویزیون امسال با دو رویداد - رمضان و نوروز - مواجه بود؛ دو مناسبتی که مردم انتظار دارند تلویزیون در کنارشان باشد اما همزمانی آنها در کنار هم کار تلویزیون را سنگین‌تر هم کرد. به عبارتی علی‌رغم وعده‌هایی که داده شد و پیش‌بینی‌هایی که صورت گرفته بود، تلویزیون در حد انتظارها برای هر دو طیف مخاطبان ظاهر نشد و نتوانست به آنها پاسخ کافی بدهد.

این منتقد مساله اصلی را رقابت رسانه‌ها عنوان کرد و گفت: امروز بحث رقابت رسانه مطرح است؛ اینکه تلویزیون در این شرایط گلیم خود را از آب بیرون بکشد و این گلیم هم گلیمی است که مخاطبان بر روی آن زندگی می‌کنند و از جعبه جادویی انتظار دارند که بتواند به انتظارات پاسخ دهد. یعنی هم سرگرمشان کند، هم به عبارتی چیزهایی را به آنها بدهد که قابل اعتماد باشد، به آنها متکی باشند و در زیست‌روزانه به دردشان بخورد.

سرگرمی آدم این‌کاره می‌خواهد

فهم در ادامه با تأکید بر اهمیت کارکرد تلویزیون در وجه سرگرمی، گفت: سرگرمی مساله اصلی است؛ یعنی همه برنامه‌ها اعم از مذهبی، غیرمذهبی، اجتماعی یا دیگری در درجه اول باید بتوانند از مولفه‌های نگه داشتن مخاطب پای تلویزیون برخوردار باشند؛ به عبارتی بحث فرم و محتوا مطرح است. هر چقدر محتوا خوب باشد، اگر تلویزیون در «چگونه گفتن» موفق نباشد، عملاً آن محتوای خوب را هم از دست می‌دهد و نمی‌تواند آن را کاربردی کند و وظیفه فرهنگ‌سازی را درست انجام دهد. این مشکل فعلی تلویزیون است و از آنجا ناشی می‌شود که

توقیف ۱۲ هزار و ۴۷۶ دستگاه خودرو حادثه ساز در جاده‌های خراسان رضوی

برخورد با این رانندگان در جاده های استان تشدید شد و ماموران پلیس راه و راهور با کنترل محسوس و نامحسوس رانندگان با تخلفات حادثه ساز از جمله سرعت زیاد، سبقت غیرمجاز و حرکات نمایشی برخورد و خودرو این دسته از رانندگان را توقیف کردند.

سرهنگ محمدرضا کورسی روز گذشته در گفت و گو با ایرنا افزود: همچنین ۳۷۹ دستگاه موتورسیکلت حادثه ساز و ۲۷۴ جلد گواهینامه نیز در این بازه زمانی توقیف شد. وی ادامه داد: برخورد با تخلفات حادثه ساز و رانندگان پرخطر نقش مهمی در کاهش حوادث ترافیکی دارد و در ایام نوروز

جانشین رئیس پلیس راه خراسان رضوی گفت: از ۲۵ اسفند پارسل تا ۱۵ فروردین امسال پنج هزار و ۹۹۰ دستگاه خودرو حادثه ساز توقیف و به پارکینگ منتقل و برای ۶ هزار و ۴۸۶ دستگاه خودرو حادثه ساز نیز توقیف ساعتی مقابل پاسگاه اعمال شد.

پیشکسوت اصلاح طلبان در دیدار معاون اول رئیس جمهور با نخبگان و فعالان سیاسی گلایه کرد:

دخالت نمایندگان در انتصابات و اخلاص در اصلاحات خراسان رضوی

دیگر نمی توان مردم را با وعده های تو خالی فریب داد، باید تغییر واقعی ایجاد شود

مخلصانه و مجدانه، نقش موثری ایفا کردند. خود من نیز در مسیر همراهی و رایزنی با برخی دوستان، توصیه ها و کمک های زیادی گرفتم که باید قدرانی کنم.

مظفری در عین حال به محدودیت ها اشاره کرد و افزود: واقعیت این است که سرمایه انسانی موجود در استانداری رو به اتمام است و ما نتوانستیم از ظرفیت بسیاری از نخبگان استفاده کنیم. از این بابت احساس شرمندگی می کنم. نتوانستیم کادر جدید و جوانی را تربیت و به میدان بیاوریم تا این امانت را در آینده به آن ها بسپاریم.

او در ادامه افزود: جمعیت شهر مشهد از جمعیت ۲۳ استان کشور بیشتر است. شهرستان های بزرگ استان هم هر کدام معادل یک استان جمعیت دارند. این حجم از جمعیت به زیرساخت، تغذیه مناسب، فضای فرهنگی و شادی های مشروع نیاز دارد. ما در یک استانی فرهنگی هستیم، هم پارک ملیکوتی امام رضا (ع) را داریم و هم آرامگاه حکیم فردوسی را. مشهد باید فضای گفت و گو بین فرق و ادیان را گسترش دهد.

مظفری با اشاره به اقدامات انجام شده برای استفاده از ظرفیت نخبگان گفت: راه اندازی شوراهای مشورتی و اتاق اندیشه ورزی گام هایی خوب، بوده است. در جمع حاضر، روسای چهار کارگروه از جمله آموزش و پرورش، بانوان، جوانان و کشاورزی حضور دارند که زحمات زیادی کشیده اند. البته نواقصی وجود دارد اما فرصت تجربه اندوزی، مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این فضاها فراهم است.

او با ابراز تأسف از ناتوانی در برآورد کردن خواسته های برخی نخبگان، اظهار کرد: ما با محدودیت هایی مواجه بودیم و هستیم. اما تمام تلاش ما این است که با استفاده از این سرمایه عظیم اجتماعی، به وعده هایی که دولت داده است، پایبند باشیم و به آن ها جامه عمل بپوشانیم.



ضرورت دارد که وعده ریاست جمهوری در خصوص رفع فیلترینگ به سرعت پیگیری شود. وی مذاکره را یک ضرورت ملی دانست و افزود: عدم وجود سرمایه گذار خارجی عدم امکان بهره برداری از منابع کشور می شود. نجیب به تغییر مدیرهای ناکارآمد استانی اشاره و عنوان کرد: کادرسازی های لازم در دولت فعلی انجام نشده در سال های آتی خلا مدیران توانمند ایجاد خواهد شد. ضرورت دارد با تعریف کارگروه ها و پروژه هایی ظرفیت حضور جوانان فراهم شود.

استاندار خراسان رضوی: توسعه اقتصادی بدون توسعه آزادی های اجتماعی امکان پذیر نیست

استاندار خراسان رضوی نیز در این جلسه گفت: توسعه اقتصادی بدون توسعه آزادی های اجتماعی امکان پذیر نیست و ما در استان برخی حوزه ها نسبت به میانگین کشور عقب هستیم. غلامحسین مظفری با اشاره به نقش فعال مردم و نخبگان در انتخابات اخیر گفت: در شرایط بسیار خاص انتخابات، همه ما به این نتیجه رسیدیم که باید کار کنیم و رأی بدهیم. بسیاری از دوستان با تلاش

روحانیون اصلاح طلب نمی توانند آزادانه فعالیت کنند. رانته خواران از گفتمان وفای سوءاستفاده می کنند.

شکاف جنسیتی؛ هشدار مجامع بین المللی

سعیده شکورزاده، از بانوان فعال سیاسی، با ارائه آمار تکان دهنده اظهار داشت: رتبه ایران در شاخص جهانی شکاف جنسیتی بسیار پایین است. در آموزش و سلامت به برابری نزدیک شده ایم، اما در حوزه های سیاسی و اقتصادی شکاف عمیق است. سیاست گذاری های نادرست، این شکاف را تعمیق بخشیده است.

وی از دولت خواستار اقدام عینی شد: دولت چهاردهم وعده برابری داده است. زنان ایرانی لایق اعتماد هستند، اما راهبرد عملیاتی دولت برای تحقق این وعده ها چیست؟

تبدیل مهاجرت به فرار جمعی

امین نجیب از فعالان ستاد جوانان اصلاحات با اشاره به اینکه مهاجرت به پدیده فرار دسته جمعی تبدیل شده و خطرناک است، عنوان کرد: اجبارهای اجتماعی در کشور، ناپایدهای زیست شهروندی و عدم دسترسی به اینترنت آزاد است از دلایل اصلی این مهاجرت است.



گذشته هشدار داد: دیگر نمی توان مردم را با وعده های تو خالی فریب داد. باید تغییر واقعی ایجاد شود.

موضوع زنان و اهل سنت؛ وعده های تحقق نیافت

صدیقه موافق، فعال سیاسی و ستادی اهل سنت، با بیان تندی از عملکرد دولت گفت: در سطح جامعه قول های عملی به بانوان و اهل تسنن داده شد، اما دست آنان همچنان خالی است. وی ادامه داد: تعاونی های مرزنشینان نیازمند تسهیل قوانین و آیین نامه ها و تصویب آن هستند. آیا انتصاب سه نفر از اهل تسنن، درخواست های گروه های اقلیت را جامعه عمل نمی پوشاند.

روحانیون اصلاح طلب؛ هزینه های سنگین و ناامیدی

حجت الاسلام علی اکبر زنگنه، از نمایندگان ادوار و فعالین سیاسی با انتقاد از فضای سیاسی استان هشدار داد: هزینه اصلاح طلبی در خراسان رضوی بسیار بالاست. مردم به تغییر رأی دادند، اما اگر این تغییر محقق نشود، ناامیدی گسترش می یابد. ۶۰ درصد مردم در انتخابات اخیر مشارکت نکردند که نشانه خطر است. وی افزود: وفای باید دوطرفه باشد. امروز

رئیس بنیاد امید ایرانیان شعبه خراسان رضوی و پیشکسوت اصلاح طلبان گفت: دخالت نمایندگان مجلس در انتصابات، اجرای اصلاحات در استان ها را مختل کرده است.

به گزارش خبرنگار صبح امروز به نقل از استانداری، حسین امینی، رئیس بنیاد امید ایرانیان شعبه خراسان رضوی، در نشست تخصصی نخبگان و فعالان سیاسی خراسان رضوی با معاون اول رئیس جمهور که در استانداری برگزار شد، با توصیف شرایط بی سابقه اقتصادی اظهار داشت: «ایران در شرایط بسیار خاصی قرار دارد که در دوران جنگ نیز این موارد وجود نداشت. قشر محدودی از جامعه با درآمد ۱۰۰ میلیون و مردم با معیشت و درآمد اندک ناراضی هستند و این نارضایتی وجه مشترک میان تمامی گروه ها است.

وی به مشکلات ساختاری اشاره کرد: «دخالت نمایندگان مجلس در انتصابات، اجرای اصلاحات در استان ها را مختل کرده است. مافیای خودرو با تولید محصولات بی کیفیت، مردم را به ستوه آورده است. یک ششم عمر دولت گذشته، اما تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد مدیران استان تغییر کرده اند.» دیگر نمی توان مردم را با وعده های تو خالی فریب داد، باید تغییر واقعی ایجاد شود.

محمدصادق جوادی حصار، رئیس ستاد مرکزی پزشکیان با اشاره به حضور پرشور مردم در انتخابات اخیر تصریح کرد: مردم با حضور خود ناامیدی را به امید تبدیل کردند. مردم منت بر سر ما دارند که در این شرایط پای صندوق های رأی آمدند. وی افزود: انتخاب استاندار جدید خراسان رضوی سبب ایجاد امید در استان شد، اما بدون امید، چرخ کشور نمی چرخد. جوانان سرمایه اصلی این امید هستند. جوادی حصار با انتقاد از روش های



مهدی علی نازاری

جناب آقای سید حبیب قاآنی

با نهایت تأسف و تأثر ضایعه درگذشت مرحومه نجمه سادات محمودی را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض می کنم. از درگاه خداوند بزرگ برای ایشان رحمت و مغفرت و برای شما صبر و آرامش مسئلت دارم.

سید مجتبی منتظری

شرایط ویژه اشتراک انبوه

روزنامه صبح امروز

برای پیک موتوری ها، باربری ها و شرکت های خدماتی

با ما تماس بگیرید:

۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶

۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

مرگ ۸ کارگر معدن در کمتر از ۴۸ ساعت



آنچه در بحث ایمنی اتفاق می‌افتد، فقط شوهای احساسی و رسانه‌ای است؛ بعد از حادثه معدن طبس، وزیر کار با یک اکیپ کامل به بازدید رفت که مثلاً می‌خواهند کار کارشناسی انجام دهند. اما از ماه بعد، موضوع مسکوت می‌ماند، انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته!

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایلنا، نزدیک به هفت ماه از حادثه دلخراش معدن طبس گذشته است؛ در آن حادثه تلخ که در تاریخ بهره‌برداری معدن کشور بی‌سابقه بود، ۵۳ کارگر زحمتکش جان باختند و ۵۳ خانواده داغدار شدند؛ شب اول مهر سال قبل، نان آوران بسیاری به دلیل غفلت و بی‌توجهی، به کام مرگ فرو رفتند...

بعد از آن حادثه، یک نمایش احساسی دفاع از حقوق قانونی کارگران معدن به راه افتاد اما چیزی تغییر نکرد؛ دیدیم که چند ماه بعد، در روزهای ابتدای سال در کمتر از ۴۸ ساعت، ۸ کارگر معدن جان باختند، یکی در مه‌پاد و ۷ کارگر در یک معدن ذغال‌سنگ دامغان؛ اولی به دلیل سست بودن دیواره‌های معدن و ریزش به علت بارندگی و دومی گازگرفتگی و مرگ در اثر فقدان تجهیزات؛ هنوز هم معدن‌گازسنجی و مانیتورینگ ندارند...

مهر ماه ۱۴۰۳ بود که احمد میدری، وزیر کار از بررسی پیشنهاد افزایش حقوق کارگران معدن در شورای عالی کار خبر داد و گفت: حقوق کارگران که بخش اعظمی از شاغلان کشور را به خود اختصاص داده‌اند همواره محل گلايه و اعتراض بوده است.

جوسازی رسانه‌ای در روزهای اول

توسط دستمزد کارگران فوت شده در معدنجوی طبس، ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود و همان روزهای اول بعد از حادثه که فضا داغ بود و از رسانه‌ها بوی معدن طبس برمی‌خاست، شورای عالی کار یک نشست را به بررسی راهکارهای افزایش مزد کارگران معدن اختصاص داد، اما همه چیز همانجا تمام شد؛

علیرغم گذشت نزدیک به هفت ماه از آن روزهای تلخ کارگران طبس، هیچ آیین نامه یا دستورالعملی برای افزایش حقوق کارگران معدن صادر نشد. بازهم به روال همیشه، همه‌ی باید‌ها و اولدورم بولدورم، همه چیز، مشمول گذر زمان شد و به قهقرا رفت.

به یک ماه و نیم بعد از حادثه معدنجوی طبس، گزارش تحقیق مجلس از قصور جدی مسئولان معدن و انتشار گاز به عنوان عوامل اصلی حادثه معدنجو یاد کرد. در این گزارش آمده بود «۱۵ دقیقه زمان بوده تا به کارگران بگویند محوطه را ترک کنند که این کار صورت نگرفته است...». اما این گزارش نیز در عالم واقعیت نادیده گرفته شد.

مانورهای رسانه‌ای و تبلیغاتی چند هفته بعد از حادثه معدن طبس به نقطه پایان رسید اما این «قصور جدی مسئولان» همچنان در معدن بزرگ و کوچک کشور ادامه دارد. سرآخر ۸ کارگر معدن در کمتر از ۴۸ ساعت جان خود را از دست دادند؛ مرگی بسیار ارزان برای یک لقمه نان، برای حقوق حداقلی و سه بار زیر خط فقر...

هنوز معدن نایمن است

هنوز چرخ‌ها در سال جدید به گردش درنیامده که باز معدن قربانی می‌گیرد. هفدهم

فرو می‌ریزد و جان کارگران را می‌گیرد؟ اما خبری دردناک‌تر و تلخ‌تر در راه است؛ عصر هجدهم فروردین، هفت کارگر در مه‌پادویه دامغان به دلیل نشست گاز در تونل‌های معدنی که ظاهراً غیرفعال بوده جان خود را از دست می‌دهند...

بازهم همه مسئولان محلی و میدانی برای «مصاحبه» و رفع و رجوع کردن ماجرا و البته فرافکنی با قدرت به میدان می‌آیند! فرماندار دامغان می‌گوید: «این تونل چند ماهی بوده که غیرفعال بوده و معدنکاران بدون درنظر گرفتن شرایط ایمنی برای راه‌اندازی و بازگشایی این تونل به محل حادثه رفتند که به دلیل فقدان اکسیژن لازم فوت شدند...» اینجا خود کارگران متهم می‌شوند.

وزیر کار هم دوباره بعد از هفت ماه، به سمت کارگران معدن نگاه می‌اندازد؛ میدری با صدور دستوری به معاون روابط کار این وزارتخانه و مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان، خواستار بررسی دقیق و تهیه گزارشی جامع درباره علل وقوع این سانحه شد. وزارت کار نوشت: تیم ارزیابی تخصصی حوادث کار بلافاصله پس از دریافت خبر، به محل معدن اعزام شد تا ضمن بررسی میدانی، ابعاد فنی و انسانی حادثه را ارزیابی کنند.

در واقع دوباره یک شوی احساسی و تبلیغاتی دیگر به راه می‌افتد اما بازهم چیزی تغییر نخواهد کرد؛ ایمنی رعایت نمی‌شود، تجهیزات نیست، کارفرمایان با بازرسان و ادارات کار لابی می‌کنند و مجوز می‌گیرند اما کارگران قربانی می‌شوند.

هفت ماه بعد از حادثه تلخ معدنجو، همچنان ریزش آوار و مرگ کارگران معدن ادامه دارد؛ در این فاصله هفت ماهه، چند ده کارگر بر اثر بی‌توجهی و اهمال جان خود را از دست داده‌اند.

بعد از معدنجو...

چرا بعد از معدنجو چیزی عوض نشد؛ «حسان سهرابی» فعال کارگری و عضو اسبق

شورای عالی حفاظت فنی در پاسخ به این سوال به ایلنا می‌گوید: آنچه در بحث ایمنی اتفاق می‌افتد، فقط شوهای احساسی و رسانه‌ای است؛ بعد از حادثه معدن طبس، وزیر کار با یک اکیپ کامل به بازدید رفت که مثلاً می‌خواهند کار کارشناسی انجام دهند. اما از ماه بعد، موضوع مسکوت می‌ماند، انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته!

او ادامه داد: باید پرسید این سرکشی‌ها و بازدیدها نتیجه‌ای هم داشته است؟ همان اوایل یک جلسه شورای عالی کار را به حقوق کارگران معدن اختصاص دادند؛ پس چرا ضرابی برای افزایش دستمزد کارگران معدن تعریف نکردند؟ سهرابی با بیان اینکه «قانون‌گذار ابزارها و شیوه‌های ایمنی را تعریف کرده و یک عده از بیت‌المال بابت تامین ایمنی ارتزاق می‌کنند» افزود: ما واحد بازرسی داریم، کارشناسان HSE داریم، مأموران فنی داریم، اما چرا خروجی اینها را نمی‌بینیم؟ معدن مه‌پاد یک معدن کوچک با ۵ کارگر بوده و اگر این معدن کمیته HSE نداشته، باید هفته‌ای یکبار بازرسان به آن سرکشی می‌کردند. چطور این معدن مجوز بهره‌برداری گرفته؟! چرا بارندگی را بهانه می‌کنند؟! یعنی در شرایط جوی ناپایدار باید دیوارهای معدن روی سر کارگران بریزد؟! معدن دامغان کمیته HSE نداشته؟! چرا فعالیت‌سازی کارگران را بدون تجهیزات داخل تونل فرستاده‌اند؟! او تاکید می‌کند که «همه ظرفیت‌ها در قانون پیش‌بینی شده و مشکل فقط در اجراست که با اهمال و سستی بسیار همراه است، برای مثال در زمان پیوستن به مقاوله‌نامه ۱۵۵ سازمان جهانی کار با موضوع ایمنی، کلی سروصدا به راه انداختند اما در عمل وضعیت ایمنی بهتر که نشد هیچ، به دلیل افزایش قیمت ارز و گران شدن تجهیزات ایمنی، حوادث کار به مراتب بیشتر شد...».

سهم خودروسازان داخلی چقدر است؟

رسیدن، خطرهای از فوت یک عزیز جلوی چشم‌تان باشه... اما خودروها هم باید مقاوم باشند!

چرا هیچ‌کس پاسخگو نیست؟

اینکه عالی‌ترین مقام انتظامی کشور صریحاً خودروسازان را دلیل بخشی عمده‌ای از مرگ‌های جاده‌ای در تصادفات اعلام می‌کند، اتفاق کمی نیست اما جای این سؤال جدی از مسولان مربوطه در صنعت خودروسازی کشورمان وجود دارد که چرا هیچ مقام مسؤولی پاسخگوی این «فاجعه ملی» به دلیل عدم ایمنی حداقلی خودروهای تولید داخل نیست و این فاجعه هر ساله با شدت بیشتری در حال تکرار است؟! خودروسازان داخلی سال‌هاست با توجیهاتی مانند «صرفه اقتصادی، تحریم، بازار محدود و ...» از ارتقای حداقلی ایمنی و تقاضای تولیداتشان ساز باز زده‌اند اما واقعیت این است که هزینه این تولیدات فاجعه‌بار و به قول سرار رادان این «ارابه‌های مرگ» را مردم باید با تقدیم جان عزیزان خود، پرداخت کنند!

آقایان مسئول در صنعت خودرو سازی داخل!
«زنگ حساب» فرا رسید»
در پایان باید گفت که پلیس، مردم و نهادهای فرهنگی تا حد زیادی، سهم خود را برای کاهش تصادفات جاده‌ای ادا کرده‌اند اما حالا نوبت آن است که دستگاه‌های مسئول در حوزه صنعت، دستگاه‌های نظارتی و قضایی وارد میدان شوند و به‌جای پنهان شدن پشت شعارها، در عمل نشان دهند که برای جان مردم ارزش قائل هستند.

نقش عامل انسانی و رفتارهای رانندگی آغاز شد و خوشبختانه توانست بخشی از جامعه را نسبت به این فاجعه حساس کند اما همان‌طور که سردار رادان هم به آن اشاره کرده، «سهم تصادف» تنها بر دوش راننده نیست؛ بلکه خودرو و جاده نیز در این میان سهیم‌اند.

ایمنی خودروها یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نادیده‌گرفته شده در کمپین‌های فرهنگی اخیر است؛ وقتی بدنه خودروهای تولید داخل با یک فشار حداقلی دست، کاملاً به داخل فرو می‌رود، چنین بدنه‌ای چطور قرار است در تصادفات جاده‌ای، تاب یک واژگونی و برخورد‌های سخت خودروهای دیگر را داشته باشد؟! وقتی در جاده با یک برخورد ساده خودروی تولید داخل با یک خودروی دیگر حتی با سرعت‌های استاندارد کمتر از ۸۰ کیلومتر، بدنه هر دو خودرو تولید داخل کاملاً مچاله می‌شود و سرنشینان این خودروها با میان تکه‌های آهن، قطعه قطعه می‌شوند یا به بیرون از خودرو پرتاب می‌شوند، چطور می‌توان در چنین شرایطی، دم تا تأثیر آموزش فرهنگ رانندگی بنزیم و چطور می‌توانیم توقع زنده ماندن سرنشینان چنین خودروهایی نایمنی را داشته باشیم؟! سردار رادان خطاب به مردم می‌گوید: «حیف است که برای نیم ساعت زودتر



تولید توسط خودروسازان داخلی، تا به امروز نه تنها شاهد ارتقای کیفیت و ایمنی این خودروها نبوده‌ایم بلکه متأسفانه در برخی از خودروهای پرتیراژ تولید داخل، شاهد کاهش محسوس ایمنی و کیفیت این خودروها نیز بوده‌ایم!

به عنوان نمونه، اظهارات اخیر صریح سردار رادان در رسانه ملی و استفاده از واژه «ارابه مرگ» برای خودروهای نایمن داخلی، صرفاً سکوت مسئولان مربوطه در وزارت صنعت، سازمان ملی استاندارد و خودروسازان بزرگ کشور را در پی داشته است! سکوتی که شاید برای برخی عادی شده، اما برای خانواده‌هایی که عزیزان خود را در اثر این نایمنی‌ها این خودروها از دست داده‌اند، بسیار دردناک و رجزآور است.

«عدم ایمنی خودروهای تولید داخل» حلقه گمشده پویش نه به تصادف پویش «نه به تصادف» با محور قرار دادن

پاسخ به این سؤال را باید در جایی فراتر از صرفاً عامل انسانی یا خطای رانندگی جستجو کرد؛ جایی که به گفته صریح سردار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی کشور، به «خودروهای بی‌کیفیت» بازمی‌گردد.

خودروهایی که «ارابه مرگ» هستند!

سردار رادان یکشنبه شب هفته جاری و در آخرین حضور خود در رسانه ملی در یک موضع‌گیری صریح گفت: «بعضی از خودروهای ما ارابه مرگ هستند؛ وقتی خودرویی واژگون می‌شود، پنج تا ملق می‌زند و افراد داخل خودرو مصدوم می‌شوند اما خودروی دیگری واژگون می‌شود، فقط نیم ملق می‌زند و ۳ نفر کشته می‌شوند! این تفاوت فقط به دلیل ضعف ایمنی خودرو است.»

فرمانده کل نیروی انتظامی با اشاره به حادثه واژگونی اتوبوس در استان کرمان که ۱۴ کشته برجا گذاشت، متذکر شد: سقف، بدنه و شیشه اتوبوس‌های ما خودشان عامل قتل هستند! این‌ها باید اصلاح شوند. نمی‌توانیم فقط به استانداردهای اروپا تکیه کنیم؛ وقتی کشور ما پیمایش جاده‌ای زیادی دارد، باید استاندارد مخصوص به خودش را داشته باشد. این اظهارات حداقلی فرمانده فراجا درباره عدم ایمنی حداقلی خودروهای تولید داخل در حالیتی که طی این سال‌ها با وجود اعلام صدباره وضعیت وخیم ایمنی خودروهای

تا وقتی که خودروهای داخلی، گرفتار این وضعیت فاجعه‌بار فعلی «ارابه‌های مرگ» باشند، نمی‌توان جلوی مرگ سالانه ۲۰ هزار شهروند ایرانی را گرفت!

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از تجارت نیوز، نوروز ۱۴۰۴ هم با همه شیرینی‌ها و تلخی‌هایش سپری شد؛ هر چند که تلاش‌های پلیس و راه‌اندازی پویش «نه به تصادف» تا حد اندکی، آمار تلفات رانندگی را کاهش داد اما همچنان ارقام منتشر شده از کشته‌ها و مجروحان نوروز امسال، زنگ خطری برای جامعه و مسئولان است.

سردار سید تیمور حسینی رئیس پلیس راهور فراجا در جمع‌بندی عملکرد طرح نوروزی امسال اعلام کرد: در طول ۲۱ روز اجرای این طرح، ۸۸۰ نفر از هم‌وطنان جان خود را از دست دادند و بیش از ۲۰ هزار نفر مجروح شدند. در همین بازه زمانی، ۱۰۶۳۴۳ مورد تصادف درون‌شهری و برون‌شهری به ثبت رسید که از این میان، ۷۳۸ مورد منجر به فوت و ۱۵۸۳۳ فقره منجر به جرح شد.

نکته نگران‌کننده آنجاست که استان‌هایی چون کرمان، فارس و خراسان رضوی، صدرنشین تلفات جاده‌ای بودند؛ استانی مانند کرمان با ۷۹ فوتی، نشان می‌دهد حتی واژگونی ساده یک وسیله نقلیه می‌تواند به فاجعه‌ای ملی بدل شود. اما چرا باید همچنان و هر ساله شاهد مرگ و مصدومیت‌های گسترده در تصادفات جاده‌ای کشورمان باشیم؟!



چرا هوش مصنوعی نمی‌تواند رانندگی کند؟



نظر می‌رسد ما هیچ چیز زیادی در مورد نحوه عملکرد هوش مصنوعی نمی‌دانیم. همانند مغز انسان، تئوری‌های زیادی در مورد نحوه عملکرد هوش مصنوعی وجود دارد. محققان سعی کردند این موضوع را مورد آزمایش قرار دهند. آنها عبارت ریاضی «۹۲+۵۷» را در ChatGPT وارد کردند و عدد ۱۴۹ را دریافت

کردند که درست است، اما وقتی از آن پرسیدند «چگونه به این پاسخ رسیدی؟» هوش مصنوعی کتاب درسی استاندارد را نشان داد و محققان سپس صفرها را به عبارت ریاضی اضافه کردند و نتایج را ترکیب کردند که موجب شد ChatGPT به اشتباه بیفتد.

هوش مصنوعی در واقع یک رایانه است و مانند هر ماشین حساب پیشرفته‌ای به صورت دیجیتالی (۰ و ۱) کار می‌کند و مجموع عبارت را نشان می‌دهد. به عنوان مثال عبارت فوق را به شکل $111001 + 101100 = 10010101$ (۱۴۹) محاسبه می‌کند.

بنابراین هوش مصنوعی یک رایانه است و اعمال ریاضی را به همین شکل انجام می‌دهد. محققان وقتی از ChatGPT پرسیدند که چگونه اعمال ریاضی را انجام می‌دهد، توضیح کوتاهی از تبدیل اعداد به زبان باینری تا حصول نتیجه، مشابه آنچه در بالا توضیح داده شد، داد.

شاید اینکه چرا هوش مصنوعی نمی‌تواند رانندگی کند، پرسش بسیاری از مردم باشد. پاسخ این پرسش را باید در نوع پردازش اطلاعاتی که رانندگی به آن نیاز دارد و هوش مصنوعی در آن تبحر ندارد، جستجو کرد.

به گزارش خبرآنلاین، در حالی که بسیاری از افراد در سنین پایین و قبل از رسیدن به سن قانونی رانندگی را فرا می‌گیرند، هوش مصنوعی با وجود اینکه در حال حاضر حدود ۷۳ سال سن دارد، هنوز نمی‌تواند رانندگی کند.

به نقل از ایسنا، دلایل زیادی در این رابطه وجود دارد که چرا هوش مصنوعی قادر به رانندگی نیست. حسگرها در همه شرایط به اندازه کافی خوب نیستند. قدرت پردازشی مورد نیاز برای رانندگی بیشتر از آن است که حسگرها بتوانند آن را ارائه کنند و زمان پردازش آنها می‌تواند کندتر از مغز انسان باشد.

این موضوع حتی در مورد استفاده از یک ابر رایانه نیز صادق است، چرا که به عنوان مثال هوش مصنوعی قادر به تصمیم‌گیری اخلاقی نیست. همچنین موانع فناوریانه زیادی وجود دارد که مانع از حرکت خودروها با هوش مصنوعی در جاده‌ها می‌شود.

این در حالی است که بزرگترین مانع، حسگرها یا فناوری یا حتی مسائل حقوقی یا اخلاقی نیست، بلکه این واقعیت است که ما واقعاً نمی‌دانیم هوش مصنوعی چگونه فکر می‌کند.

مطالعه اخیر توسط محققان شرکت آنتروپیک (Anthropic) نشان داد که چت‌بات‌های هوش مصنوعی می‌توانند دچار توهم شوند، در انجام محاسبات اولیه ریاضیات خوب نیستند و اغلب در مورد استدلال خود دروغ می‌گویند. بنابراین به

هوش مصنوعی داریم و آن این است که ما با سیستم‌های حسی بسیار قوی متولد شده‌ایم که با گذر از هزاران سال فرگشت (تکامل) که ما را در استفاده از آنها بسیار متبحر کرده است، در قالب‌های چندوجهی کار می‌کنند. ما مانند بسیاری از حیوانات در جمع‌آوری ورودی‌های متعدد و عکس‌العمل بر این اساس برتر هستیم.

با توسعه فناوری‌های حسی، هوش مصنوعی ممکن است خود را به عنوان یک محرک برتر نشان دهد، اما نمی‌توانیم این را با اطمینان بگوییم، زیرا هوش مصنوعی آنطور که ما فکر می‌کنیم، نمی‌اندیشد.

هوش مصنوعی در شناخت و یادگیری ورودی چند حسی چندان خوب نیست. این یکی از بزرگترین شاهکارهای طبیعت است، اما تاکنون ما نتوانستیم آن را به ماشین‌ها منتقل کنیم.

هوش مصنوعی همچنین در تصمیم‌گیری سریع با داده‌های کمی که در دست دارد، چندان خود را ثابت نکرده است. هوش مصنوعی شهودی نیست، در حالی که ما اغلب به صورت شهودی تصمیم می‌گیریم. این بخش بزرگی از چیزی است که ما را نه تنها به نوآوری، بلکه برای سازگاری و غلبه بر آن سوق می‌دهد.

با این حال، خبر خوب برای طرفداران وسایل نقلیه خودران این است که چون ما تفکرات هوش مصنوعی را به خوبی درک نمی‌کنیم، می‌تواند کارهایی را انجام دهد که انتظارش را نداریم. این فناوری می‌تواند بصری شود و قادر به مدیریت چندین ورودی به طور همزمان باشد. به جرات می‌توان گفت که اگر این کار را انجام دهد، احتمالاً این کار را در زمان بسیار کوتاه‌تری نسبت به ما انسان‌ها انجام دهد.

در حین رانندگی، ما در هر دقیقه هزاران تصمیم می‌گیریم که می‌تواند به معنای واقعی کلمه نه تنها زندگی ما، بلکه زندگی اطرافیانمان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. ما از حواس‌پرتی‌ها در هنگام رانندگی مطلعیم و می‌دانیم که حتی چند لحظه بی‌توجهی می‌تواند به نتایج وحشتناکی منجر شود.

حالا در نظر بگیرید که چه اتفاقی می‌افتد اگر هوش مصنوعی یک داده خطرناک را توجیه کند یا نتواند به اندازه کافی سریع تصمیم بگیرد.

نکته این است که در حالی که فناوری اطلاع‌رسانی هوش مصنوعی به کار زیادی برای رسیدن به سطح یک راننده انسانی نیاز دارد، خود مدل یادگیری نیز باید به آن برسد. هوش مصنوعی اکنون در دهه ۷۰ زندگی خود است، اما فقط می‌تواند در سطح شناختی یک کودک عمل کند و ما حتی نمی‌دانیم که چگونه این کار را انجام می‌دهد.

وسایل نقلیه امروزی دارای ده‌ها حسگر، صدها متر سیم‌کشی، سه یا چند رایانه داخلی، اتصال بی‌سیم و وای-فای، GPS و بسیاری از ابزارهای دیگر هستند. هیچ کدام از اینها نمی‌توانند خودرو را برانند. حتی مدل‌هایی که دارای فناوری نیمه‌خودران یا خودران هستند نیز نیاز به توجه کامل و نظارت انسان دارند.

ما انسان‌ها یک مزیت متمایز نسبت به

البته همه چیز برای هوش مصنوعی از سال ۱۹۹۴ تاکنون بسیار تغییر کرده است، اما هنوز به اندازه‌ای نرسیده که هوش مصنوعی را قادر به رانندگی و توانایی برابر با انسان کند.

شرکت «آنتروپیک» در حال آزمایش یک مدل هوش مصنوعی به نام کلاود (Claude) است که مانند ChatGPT و سایر چت‌بات‌های هوش مصنوعی شبیه به آنچه بسیاری از ما روزانه از طریق زبان طبیعی با آن ارتباط برقرار می‌کنیم، است.

آنها دریافتند که «کلاود» اغلب منطقی را برای تطبیق با یک روایت از پیش ساخته به منظور دلجویی یا جلب رضایت شخصی که با او در حال تعامل است، ایجاد می‌کند. شبیه به روشی که سیاستمداران در مورد موضوعی صحبت می‌کنند و به نظر می‌رسد که با کسی موافق هستند، اما در حقیقت اینطور نیست.

این موضوع را در رانندگی تصور کنید.

به آگهی مزایده عمومی واگذاری ایستگاه دام قره گل سرخس (نوبت اول)

سازمان جهادکشاورزی خراسان رضوی در نظر دارد مرکز دام قره گل سرخس را در قالب قرارداد مشارکت واگذار نماید. لذا از واجدین شرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد از تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ به پایگاه ملی مناقصات کشور به آدرس <http://iets.mporg.ir> و یادار ساعت اداری به آدرس : مشهد مقدس تقاطع بلوار خیام فردوسی سازمان جهادکشاورزی خراسان رضوی طبقه اول مدیریت امور دام به شماره تلفن ۳۷۰۱۶۱۱۱ - ۰۵۱۳۷۰۱۶۱۳۹ مراجعه نمایند. اطلاعات تکمیلی در اسناد مزایده ارایه شده است.

شناسه آگهی ۱۹۰۱۹۰۵

سازمان جهادکشاورزی خراسان رضوی



بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد خریداری شده مع الواسطه از خانم فاطمه ایزدی کاخکی مالک رسمی محرز گردیده است، لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و گواهی تقدیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ م.الف ۴۷۱

سید ضیاء الدین مهدوی شهری - رئیس ثبت اسناد و املاک گناباد

صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ م.الف ۸ حسین مهرجو - رئیس ثبت اسناد و املاک فریمان

۱۱/ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک گناباد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . ۱- نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۳۰۰۳۶۹۵/۱۴۰۳/۱۲/۲۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ و رای اصلاحی ۱۳۰۰۳۶۹۵/۱۴۰۴/۰۱/۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم زهره فرهنگی کاخکی فرزندگانمرضا در شش‌دانگ یک باب منزل به مساحت ۴۶۹/۹۷ متر مربع از پلاک شماره ۳۴۲ فرعی از ۱۵۴- اصلی واقع در اراضی کاخک

۱۱/ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۲۰۰۴۰۹۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد حسین دهقان کد ملی ۰۸۴۹۸۱۲۱۱۹ فرزند علی داد بشماره شناسنامه ۳۰ صادره از فریمان در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۸۹۶۷ متر مربع پلاک فرعی از ۲۳۱ اصلی واقع در بخش ۱۳ خریداری از مالک رسمی آقای علی داد دهقان و غلامحسین آبادی و حسین فهیم دانا محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در